

«چون هَذِیانِ مَحْمُومٌ نامفهوم»^۱

نقدی بر چاپی مغلوَط از رسالهُ فصولِ نصیرالدّین طوسی

h.ataee@isca.ac.ir / استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی | حمید عطائی نظری

| ۲۶۶ - ۲۵۷ |

۲۵۷

آینه پژوهش | ۲۱۷

سال ۳۷ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵

چکیده: کتاب عقیده الشیعة مجموعه‌ای است از هفتاد رساله کلامی مختصر و متوسط در تبیین اصول اعتقادی شیعه از متکلمان امامی قرون دوم تا دهم هجری که به کوشش آقای شیخ محمدرضا انصاری قمی گردآوری و منتشر شده است. پیش از این، در نقدی که بر چاپ نخست این اثر نگاشته شد، پاره‌ای از خطاها و اشکالات مشهود در آن بازنموده شد. در نوشتار حاضر، چاپ سوم این کتاب مورد ارزیابی قرار گرفته است و با بررسی ویراست رساله فصول محقق طوسی در این مجموعه، شماری دیگر از اغلاط و نقایص کتاب نشان داده شده است. این بررسی نمودار آن است که گردآورنده کتاب عقیده الشیعة بدون رعایت ضوابط و معیارهای مرسوم تصحیح انتقادی متون، به انتشار این رسائل دست یازیده است و چاپی عیبتناک و پراشتباه از متون عقیدتی تشیع را عرضه نموده است.

کلیدواژه‌ها: رساله فصول، نصیرالدین طوسی، کتاب عقیده الشیعة، نقد، تصحیح متون.

A Critique of a Faulty Edition of Naṣīr al-Dīn Ṭūsī's *Risāla-yi Fuṣūl*
Hamid Ataei Nazari

Abstract: *'Aqīdat al-Shi'a* is a collection of seventy concise and medium-length theological treatises on the fundamental doctrines of Shi'i Islam, composed by Imāmi theologians from the second to the tenth centuries AH. The volume was compiled and published by Shaykh Muḥammad-Reḍā Anṣārī Qummī. In an earlier review of the first edition of this work, a number of its evident errors and shortcomings were identified and discussed. The present article evaluates the third edition of the collection and, through an examination of the edited text of *Risāla-yi Fuṣūl* by Naṣīr al-Dīn Ṭūsī, highlights additional mistakes and deficiencies in the publication. The study demonstrates that the compiler of *'Aqīdat al-Shi'a* published these treatises without observing the established principles and standards of critical textual editing, thereby producing a flawed and error-ridden edition of important Shi'i doctrinal texts.

Keywords: *Risāla-yi Fuṣūl*, Naṣīr al-Dīn Ṭūsī, *'Aqīdat al-Shi'a*, criticism, textual editing.

۱. زیدری نسوی، شهاب‌الدین محمد، نَفَثَةُ المَصْدُور، مقدمه، تصحیح و شرح: یاسر دالوند و مجید عزیزی هابیل، انتشارات علمی، تهران، ۱۴۰۴، ص ۴۶. «هَذِیانِ مَحْمُومٌ» یعنی سخنان و عبارات نامفهوم شخص تب‌دار.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

راقم آثم این سطور، سالیانی پیش، در مقاله‌ای با عنوان «بازی با ثراث کلامی شیعه: نقدی بر کتاب عقیده الشیعة»^۱ به بررسی کتاب عقیده الشیعة پرداخت و در آن، در حدّ مجال و توان، پاره‌ای از اشکالات کلان و ایرادات پرشمار آن را باز نمود. عقیده الشیعة مجموعه‌ای است از هفتاد رساله کلامی مختصر و متوسط در باب اصول اعتقادی پنج‌گانه شیعه از متکلمان امامی قرون دوم تا دهم هجری که آقای شیخ محمد رضا انصاری قمی آنها را برگزیده است و در مجلّدی قریب به هزار صفحه منتشر نموده. هدف نامبرده از تدوین مجموعه حاضر گردآوری و ارائه اعتقادنامه‌های مهمّی است که از قرن دوم تا دهم هجری نگاشته شده و در آنها عقیده شیعه دوازده امامی در ابواب توحید، عدل، نبوّت، امامت و معاد تبیین گردیده است. این کتاب تاکنون سه مرتبه منتشر شده است که مشخصات چاپ نخست آن چنین است: عقیده الشیعة (تأصیل و توثیق من خلال سبعین رسالة اعتقادية من القرن الثانی لغاية القرن العاشر الهجری)، جمع و تحقیق و تقدیم: الشیخ محمد رضا الأنصاری القمی، ۲ ج، الطبعة الأولى، دارالتفسیر، قم، ۱۳۹۴ ه.ش.. چاپ دوم این اثر در سال ۱۳۹۵ ه.ش./۱۴۳۷ ه.ق. و چاپ سوم آن نیز در سال ۱۴۰۱ ه.ش./۱۴۴۴ ه.ق. از سوی همان ناشر انتشار یافته است.

این بنده شرمندۀ در نقدی که بر چاپ نخست کتاب عقیده الشیعة نوشت به ارزیابی تصحیح و طبع یکی از رساله‌های چاپ شده در این مجموعه، یعنی رساله الأبحاث المفیدة فی تحصیل العقیدة تألیف علامه حلّی، پرداخت و برخی از اغلاط و آشفتگی‌های آن را نشان داد. در آنجا به این نکته نیز اشاره کردم که گردآوری مجموعه‌ای از اعتقادنامه‌های امامی که بازگوکننده و نمایندۀ اعتقادات شیعه در قرون مختلف باشد، کاری بایسته و پرفایده است به شرط آنکه در تمهید و تصحیح و ارائه آنها دقّت و اهتمام لازم به کار بسته شود؛ لیک شوربختانه بیشتر رسائل نشر یافته در کتاب عقیده الشیعة چنان از اغلاط و کاستی‌های رنگارنگ گرانبار است که هر یک از آن رساله‌ها، و نیز کلّ مجموعه را، از حیّز اعتماد و اعتبار و انتفاع ساقط می‌کند.

امیدی واهی داشتم که نقد مزبور مایۀ التفات و انتباه گردآورنده کتاب شود و چاپ‌های بعدی آن دست‌کم با بازبینی کلی و اصلاحات ضروری انتشار یابد؛ اما بزودی معلوم شد که مُدوّن کتاب، به رغم اطلاع از آن نقد، اهتمامی جدّی نسبت به بازنگری اساسی و اصلاح کار خود ننموده است و کتاب را دوباره با اغلاط و خطاهای چشمگیری بازچاپ کرده است. چنین کاری ظاهراً یک معنا بیشتر ندارد و آن اینکه گردآورنده بزرگوار حال یا توان یا بنای اصلاح کار ناستوار خویش را

۱. «نقدی بر کتاب عقیده الشیعة»، مجلّه آینه پژوهش، سال ۲۷، ش ۱۶۰، مهر و آبان ۱۳۹۵، صص ۷۸ - ۸۳.

نداشته است و با آنکه به معیوب بودن اثر خود واقف و آگاه بوده، به تکثیر آن پرداخته است و بدین سان حقوق خریداران و خوانندگان بیشتری را تضییع نموده.

البته این نکته را نیز به صراحت باید گفت که حتی اگر محقق محترم در صدد اصلاح کتاب خویش هم باشد، چنین اثری از اساس، آنگونه که شایسته و بایسته است، اصلاح پذیر نیست؛ چون بنیان درستی ندارد و متون مندرج در آن اصلاً بر پایه معیارهای مرسوم تصحیح انتقادی متون فراهم نیامده است. در واقع، گردآورنده کتاب برای تهیة ویراستی انتقادی از هر یک از رسائل این مجموعه دست کم می بایست مراحل زیر را با دقت طی می کرد:

(۱) شناسایی و ارزیابی نسخه های مختلف بازمانده از هر اثر.

(۲) انتخاب درست دست نویس های برتر.

(۳) گزینش روش مناسب برای تصحیح متن.

(۴) مقابله کامل دست نوشت های منتخب و گزارش دقیق اختلافات آنها در ضبط کلمات در بخش سازواره انتقادی.

(۵) تهیة متن نهایی اثر با بررسی اختلافات نسخ در ضبط کلمات و اختیار ضبط برتر.

(۶) تدارک توضیحات و تعلیقات و ارجاعات لازم در خصوص عبارت و مطالب متن.

شوربختانه محقق گرامی مراحل یادشده را چنانکه شایسته است به انجام نرسانده و با شتاب بسیار مجموعه ای نااستوار از رسائل عقیدتی را به چاپ سپرده است بدون تحقیق و تدقیق کافی. چنین کاری که از بنیان ویران است و اساس و اسلوب درستی ندارد، با اصلاحات و بازنگری های جزئی قابل اصلاح کلی نیست و هیچ گاه درست و استوار نمی گردد.

اکنون برای اینکه خوانندگان گرامی مرا به بدگمانی و بی انصافی در حق کتاب عقیده الشیعة و گردآورنده آن متهم نکنند و مخاطبان نکته سنج و دقیقه یاب نیز خود، داوری بنده را در باب این کتاب، تأیید و تصدیق کنند، در اینجا، به عنوان نمونه ای دیگر، متنی را که از رساله فصول خواجه نصیرالدین طوسی (د: ۶۷۲ ه.ق.) در چاپ سوم کتاب عقیده الشیعة (صص ۴۵۷ - ۴۷۶) انتشار یافته است بررسی می کنیم و شماری از عبارات نادرست و نامفهوم آن را نقل و نقد می نمایم تا میزان استواری - یا به تعبیر بهتر: نااستواری! - کار گردآورنده کتاب نمایان گردد.

نشانه های فراوانی در متن یادشده وجود دارد که نمودار سهل انگاری چاپ کننده آن است و حاکی از این واقعیت که وی این متن - و احتمالاً سایر متون فراهم آورده در این مجموعه - را

حتی یکبار هم با دقت نخوانده است و در آنها تأمل و تدقیق درخوری ننموده. برای نمونه، در مواضع متعددی از رساله فصول به جای کلمه «بنده»، به اشتباه نوشته شده است «به فعله» که در اثر این اشتباه جملاتی مبهم و مضحک پدید آمده است! به این عبارات بنگرید:

♦ «آنچه ابوالحسن اشعری اثبات کند به فعله کرده، و کسب نام نهد، بعد از آن که وجود و عدم او از خدای داند، و به فعله کرده هیچ تأثیر نهد معقول نیست». (ص ۴۶۷).

در عبارات بالا که «چون هَذَيَانِ مَحْمُومٌ نامفهوم» است، اگر به جای «به فعله» کلمه «بنده» قرار گیرد آنگاه معنای آنها روشن می شود. اینک صورت درست عبارات پیشگفته:

"و آنچه ابوالحسن اشعری اثبات کند بنده را و «کسب» نام نهد، بعد از آنکه وجود و عدم از خدای داند و بنده را هیچ تأثیر نهد، معقول نیست".

نظیر اصلاح یادشده باید در جملات سهوآلود و حیرت انگیز زیر نیز صورت گیرد:

♦ «اگر قدرت و ارادت به فعله از خداست» (ص ۴۶۷).

♦ «فعل به فعله تبع و اثر اوست» (ص ۴۶۸).

♦ «اگر گفتندی که: به فعله را خدای آفریند و تا نیافریند فعل نتواند کرد، و چون بیافریند هر آینه او را تأثیر بود، پس فعل به فعله فعل اوست، ایشانرا آسانتر بودی» (ص ۴۶۸).

♦ «علم خدای تعالی که به فعل بنده تعلق کرده است، پس امکان آن که از به فعله خلاف آن واقع شود علم نباشد، بل جهل باشد. پس به فعله را فعل نبود» (ص ۴۶۸).

♦ «چون معلوم شد که به فعله را فعلی هست، فرق میان افعال به فعله و خداوند ظاهر بود، چه هر چه به فعله را [بر] کردن [آن] مدح و ذم کنند» (ص ۴۶۸).

♦ «تکلیف، خدای به فعله را فرموده [فرمودن] بود به فعلی که مشتمل بر مصلحت او باشد» (ص ۴۶۹).

♦ «غرض از تکلیف، قیام نمودن به فعله بود بدان» (ص ۴۶۹).

♦ «اگر باری سبحانه و تعالی داند که به فعله بتکلیف قیام ننماید» (ص ۴۶۹).

بی تردید اگر مصحح دانشمند رساله، خود یکبار این جملات را خوانده بود، به نامفهومی و نادرستی آنها پی برده بود و دست کم متوجه می شد که ترکیب عربی بی معنای «به فعله» نباید در میان این عبارات فارسی جایی داشته باشد!

اجازه دهید پیش از ادامه ارزیابی چاپ آقای شیخ محمد رضا انصاری قمی از رساله فصول به نکته‌ای کوتاه در معرفی این رساله ارزنده نصیرالدین طوسی اشاره شود. رساله فصول نوشته‌ای است مختصر به زبان فارسی که محقق طوسی در آن به تحریر معتقدات و تبیین باورهای امامیه در باب مسائل اصلی اعتقادی از مبدأ تا معاد پرداخته است. این نگاشته وجیز، یگانه اعتقادنامه طوسی به زبان فارسی است و در کنار دو رساله اعتقادی دیگر وی، یعنی تجرید الاعتقاد و قواعد العقائد که به زبان عربی نوشته شده، در شمار متون مهم و مرجع کلامی امامیه به حساب می‌آید. ترجمه‌ای عربی از این رساله نیز بر دست رکن الدین محمد بن علی بن محمد جرجانی حلّی عَرَوی (زنده در ۷۲۸ ه.ق.)، متکلم و مترجم متبخر شیعی و از شاگردان علامه حلّی (د: ۷۲۶ ه.ق.) فراهم آمده است که شهرت بسیاری یافته و شروح متعددی بر آن نگاشته شده است. متن فارسی فصول و ترجمه عربی آن تاکنون چند مرتبه تصحیح و منتشر شده است، لیک متأسفانه هیچ‌یک از این چاپ‌ها ویراستی دقیق و صحیح و مُنتَفَع از آثار نامبرده به شمار نمی‌آید. از این رو، نویسنده این سطرها طی چند سال گذشته درصدد فراهم آوردن تصحیحی انتقادی از متن فارسی فصول و ترجمه عربی جرجانی از آن بوده است و امید می‌برد که این ویراست‌های جدید در آینده‌ای نزدیک به خواست و مدد الهی انتشار یابد.

با توجه به شهرت و اهمیت و تداول رساله فصول در میان متکلمان و کلام‌پژوهان امامی نسخه‌های فراوانی از آن در دسترس است که می‌توان با بهره‌گیری از آنها ویراستی انتقادی از این اثر ارائه نمود. با وجود این، آقای شیخ محمد رضا انصاری قمی راحت‌ترین راه را برگزیده است و در اقدامی که می‌توان آن را مصداق ترجیح بلا مرجح شمرد (البته اگر قائل به استحاله چنین ترجیحی نباشیم!) دست‌نویسی از این رساله (یعنی دست‌نوشت شماره ۱۰۰۲۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی) را برای چاپ آن انتخاب نموده که نه تنها وجه رجحان معقول و مقبولی در انتخاب و اختیار آن نیست بلکه، در مقایسه با بسیاری از دست‌نویس‌های بازمانده از این اثر، مرجوح است و نامرغوب. همین‌گزینه‌ش نادرست نسخه اساسی تصحیح، یکی از عوامل مهمی است که موجب شده متن فراهم‌آمده از فصول در این چاپ، متنی باشد عیبناک و آکنده از تصحیف‌ها و افتادگی‌ها و افزودگی‌های ناروا. شکی نیست که اگر نامبرده اندک کوششی می‌نمود و به سایر نسخه‌های دستیاب معتبر از این اثر نیز مراجعه می‌کرد آنگاه متن کم‌غلط‌تری را عرضه می‌داشت. اینکه مصحح نامبرده به‌رغم اطلاع از افتادگی یک سطر از رساله در نسخه مورد رجوعش (نگرید به ص ۴۶۹) هیچ تلاشی برای استدراک آن و تکمیل متن با استفاده از دست‌نویس‌های دیگر یا حتی طبع‌های در دسترس اثر نکرده و متن را با همان افتادگی کلان به چاپ سپرده، نمودار تسامح نابجا و تساهل ناروای اوست در کارش.

در ادامه، شماری از عبارات رساله فصول در چاپ مورد گفت‌وگو نقل و نقد می‌شود. آنچه در پی می‌آید شامل همه اشکالات و خطاهای مشهود در این چاپ نیست و صرفاً نمونه‌هایی است معدود برای آگاهی خوانندگان از کیفیت تصحیح این رساله و اثبات بی‌اعتباری این طبع نامطبوع. در هر مورد، نخست عبارات فصول نقل می‌گردد و زیر اغلاط آن خطی کشیده می‌شود و سپس صورت اصلاح‌شده آنها بر اساس دست‌نوشته‌های معتبر این رساله بیان می‌گردد.

۱. «نفس اماره را که لشکر تخیلات واسعه و توهمات کاذبه در بیابان ضمیر پراکنده نبود یا صفت برنهد و بکلی روی همت متوجه به عالم قدس دارد، و قضا را امنیت بر نیل درک حق مقصود گرداند» (ص ۴۶۴).

عبارت نامفهوم پیشگفته محتاج اصلاحات زیر است:

واسعه ← فاسده	پراکنده نبود یا صفت برنهد و ← می‌پراکند بند ریاضت برنهد و
قضا را ← قُضارای	مقصود ← مقصور

بنابراین صورت درست عبارت یادشده چنین است:

"نفس اماره را که لشکر تخیلات فاسده و توهمات کاذبه در بیابان ضمیر می‌پراکند، بند ریاضت برنهد و بکلی روی همت متوجه به عالم قدس دارد و قُضارای امنیت بر نیل درک حق مقصور گرداند".

۲. «هر که از خبری آگاهی یابد، از هستی آن چیز آگاه شده باشد، چه بضرورت داند که آنچه بود یابند، و آنچه نبود نتوان یافت. پس هستی که آن را وجود خوانند دانسته باش، چه آن هستی جز او نیست از این هستی که یافت، و هر که کل داند، از پیش جزو دانسته باشد» (ص ۴۵۷).

در این قسمت نیز خطاهایی در ضبط کلمات صورت گرفته است که فهم معنای عبارات را دشوار ساخته. متن یادشده باید به شکل زیر اصلاح گردد تا مضمون سخن خواجه روشن شود:

"هر که از چیزی آگاهی یابد، لا محاله از هستی آن چیز آگاه شده باشد؛ چه بضرورت داند که هر آنچه یابند باشد، و آنچه نبود، نتوان یافت. پس هستی، که آن را «وجود» خوانند، دانسته باشد؛ چه آن هستی، جزوی است ازین هستی که یافت، و هر که کل داند، از پیش، جزو دانسته باشد".

۳. «اما ممکن را چون وجود او را از غیر فرض کردیم، بی اعتبار آن غیر موجود نتواند بود، و چون موجود نبود موجود غیر خویش هم نتواند بود، که ایجاد از ما ناموجود در عقل محالست» (ص ۴۵۷).

متن آشفته بالا نیز باید به صورت زیر تصحیح شود تا مفاد آن مفهوم گردد:

"اما «ممکن» را چون وجود او از غیر فرض کردیم، بی اعتبار غیر، موجود نتواند بود. و چون موجود نبود، موجد غیر خویش هم نتواند بود؛ چه ایجاد ناموجود، در عقل مُحال است."

اینک نمونه‌هایی دیگر از خبط و سهوها در ضبط کلمات و بیان صورت درست آنها بدون توضیح اضافی:

۴. «اصل نظر اول را ممکن خوانند». (ص ۴۵۷) ← اهل نظر.

۵. «پس این حقیقت جز يك ذات بی همیار نیست». (ص ۴۵۸) ← ذات بی همتا.

۶. «و این وجود را حدوث گویند، و خیلی موجود را مُحدث». (ص ۴۵۹) ← و چنین موجود را مُحدث.

۷. «اگر موجب بودی قدم بعض ممکنات، بلکه جمله تکلفات لازم آمدی». (ص ۴۶۰) ← جمله ممکنات.

۸. «اقتدا به نسبت اهل عدل». (ص ۴۶۵) ← اقتدا به سُنَّتِ اهل عدل.

۹. «یا.... آید از استحاله صور و قبیح از واجب». (ص ۴۶۷) ← یاد کرده آمد از استحالت صدور قبیح از واجب.

۱۰. «از این شبهه تخیل ایجاب توان کرد چه به هیچ وجه لازم نیاید». (ص ۴۶۷) ← ازین شبهه تخیل ایجاب توان کرد؛ اما جبر به هیچ وجه لازم نیاید.

۱۱. «این تفسیر با اهل لغت نزدیکتر از آنست که وعیدیان گویند». (ص ۴۷۶) ← به اصل لغت.

۱۲. «باید که آنچه غرض آفریننده بوده باشد از آفریدن صنایع نگرداند». (ص ۴۷۶) ← ضایع نگذارد.

مواردی که بیان شد نمونه‌هایی است از عباراتی که به عنوان نوشته خواجه طوسی ارائه شده است و چنانکه ملاحظه کردید، در صورت نادرستی که در کتاب عقیده الشیعة به چاپ رسیده، چندان معنای مفید و مُحَصِّلی از آنها مستفاد نیست! باید امیدوار بود که چنین متن‌های مغلوط و نامفهومی در معرض دید محققان نکته‌یاب غیر ایرانی قرار نگیرد و هیچ‌گاه نفهمند که برخی از ما ایرانیان موارد علمی دانشمندان عالی‌مقام فرهنگ خود را به چه صورت شرم‌آوری عرضه می‌کنیم!

استاد مجتبی میثوی، در حاشیه یکی از منشورات ناشر قدیمی معروفی در حیدرآباد دکن نوشته است: «ناشر، بسیار بی سواد و کم‌دقت و سهل‌انگار و غیر معتمد علیه است و نسخه‌های خوب و صحیح را که به دست می‌آورد چنان بد و پر غلط به چاپ می‌رساند که به لعنت خدا نمی‌ارزد.

به طور کلی مطبوعات حیدرآباد چنان است که عدمش به از وجودش است.^۱ سخن استاد کلامی است نکته آموز که درباره بسیاری از ناشران چاپ های پر غلط و تصحیح های مُفتضح دیگر نیز صادق است، ناشران و کتاب هایی که غالباً نبودشان بهتر است از وجودشان!



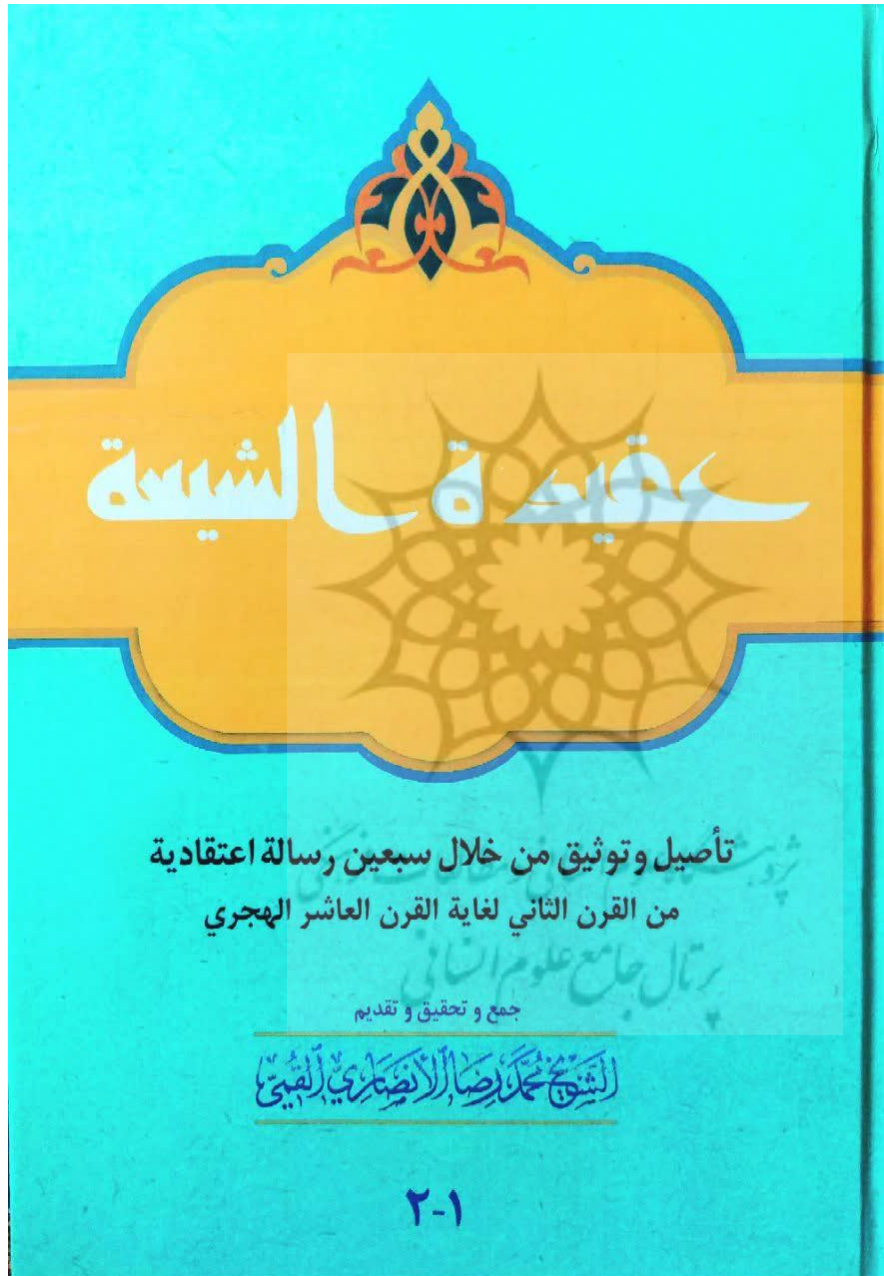
۲۶۵

آینه پژوهش | ۲۱۷

سال ۳۷ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵

۱. دهقانی، محمد، ویراستار خاموش، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم، تهران، ۱۴۰۳، صص ۲۶۶ - ۲۶۷.



٢٦٦

آينه پژوهش | ٢١٧

سال ٣٧ | شماره ١

فروردین و اردیبهشت ١٤٠٥